

زمینه سنجی انقلاب مصر با تکیه بر تغییرات ارزشی

مجتبی حمایت خواه^۱ و ابوالفضل رضانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

چکیده

عمده پژوهش‌های انجام شده در زمینه علل وقوع انقلاب، به صورت نظری انقلاب‌ها را تحلیل کرده‌اند. هدف این تحقیق تحلیل انقلاب مصر با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) است. روش تحقیق از نوع تحلیل ثانویه است و از داده‌های پیمایش‌های موج چهارم و پنجم مصر با حجم نمونه ۳۰۰۰ نفر در هر پیمایش استفاده شد. برای تحلیل انقلاب مصر از نظریه عدم توازن نهادی جانسون، نظریه محرومیت نسبی گر و نظریه جامعه توده‌وار استفاده شد. جهت سنجش فرضیه‌های تحقیق، در پرسشنامه پیمایش سؤالاتی که متغیرهای اصلی نظریه‌ها را می‌سنجیدند شناسایی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ پاسخگویان ارزش‌های اقتصادی را مهم‌ترین هدف کشور انتخاب نموده‌اند. همچنین، رضایت از وضعیت مالی خانواده و احساس سعادتمندی به طور معنی‌داری کاهش یافته بود. یافته‌ها از همه نظریه‌های فوق حمایت می‌کنند. وقوع بحران اقتصادی، افزایش محرومیت نسبی و نیز توده‌وار بودن جامعه مصر زمینه بروز انقلاب را فراهم کرد.

کلید واژه‌ها: انقلاب، انقلاب مصر، ارزش‌های جهانی، WVS، محرومیت نسبی، بحران اقتصادی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

حمایت خواه، مجتبی؛ رضانی، ابوالفضل (پاییز ۱۴۰۲). «زمینه سنجی انقلاب مصر با تکیه بر تغییرات ارزشی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۲۳، صص ۷۰-۵۱.

^۱ نویسنده مسئول؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
ایمیل: m.hemayatkhah@pnu.ac.ir

^۲ دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
ایمیل: m.hemayatkhah@pnu.ac.ir

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

موج انقلاب‌ها و شورش‌های مردمی که از دسامبر ۲۰۱۰ اکثر کشورهای عربی را در بر گرفت از رخدادهای نادر تاریخی محسوب می‌شود. در این رخداد، چهار رژیم اقتدارگرا در تونس، مصر، لیبی و یمن یکی پس از دیگری به واسطه انقلاب‌های مردمی در سال ۲۰۱۱ از هم فروپاشیدند و بسیاری دیگر نیز با چالش‌های جدی مواجه شدند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵).

در قرن نوزدهم، مصر اسماً بخشی از امپراتوری عثمانی بود، هرچند سلسله‌ای محلی عملاً در آن حکومت می‌کرد. ساخت کانال سوئز مصر را ورشکسته کرد و بریتانیا- از اعتباردهندگان اصلی- این کشور را در ۱۸۸۲ اشغال؛ و از ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ تحت‌الحمایه خود کرد. مصری‌ها در سال ۱۹۱۹ علیه استعمار انگلستان انقلاب نمودند. رژیم فاسد ملک فاروق با وقوع کودتای نظامی جمال عبدالناصر در ۱۹۵۲ سقوط کرد و در ۱۹۵۳ جمهوری بر پا شد. در ۱۹۵۴، جمال عبدالناصر (۱۹۱۸ تا ۱۹۷۰) تندرو به ریاست جمهوری رسید. پس از جمال انور سادات در مصر حکومت را در دست گرفت و پس از ترور سادات در ۱۹۸۱ محمد حسنی مبارک، از سال ۱۹۸۱ در رأس حکومت مصر قرار گرفته است. او در این مدت با فشار دستگاه امنیتی خود هم انتخابات را در اختیار گرفت و هم مردم را تحت تأثیر این اقدامات قرار داد.

بزرگ‌ترین اعتراضات مردمی در دوره حسنی مبارک در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ به وجود آمد و این اقدام در جولای سال ۲۰۰۹ از سر گرفته شد. در این اعتراض روزنامه‌نگاران، کارشناسان وزارت دادگستری، کارگران، رانندگان کامیون، وکلا، معلمان، کارکنان اداره پست، هتل‌ها و... حضور داشتند. حزب اخوان المسلمین، نخستین گروه مخالف دولت در مصر است که آشکارا فعالیت می‌کند و از سال ۱۹۸۸ به رسمیت شناخته نمی‌شود. این حزب در سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ توانست ۵۴ کرسی مجلس را تصاحب کند. در انتخابات سال ۲۰۱۰ به دلیل عملکرد یک‌جانبه حسنی مبارک و پیروزی حزب متبوعش، شرایط به کلی برای اخوان المسلمین رقم خورد. بخشی از اعتراضات احزاب سیاسی و مردمی در ادامه چنین تحرکاتی شکل گرفت ("تفاوت‌ها و شباهت‌های انقلاب مصر و تونس" ۱۳۸۹).

در دهه گذشته وضعیت در مصر چنان بحرانی بود که بسیاری از پیش، وقوع انقلاب در مصر را پیش‌بینی نموده بودند. گلدستون در سال ۱۹۹۶ می‌گوید شاید انقلاب در مصر پشت دروازه‌هایش باشد (فورن، ۱۳۸۸)؛ و در مقاله‌ای دیگری در سال ۲۰۰۸ با نام «خطر انقلاب گرسنگان» می‌خوانیم مردم مصر می‌خواهند خوراک کافی داشته باشند. دولت مصر نیز مانند اخوان المسلمین، با نگرانی به قدرت تازه در جامعه مصر می‌نگرد. این قدرت تازه، چیزی جز خشم مردم از نکبت اجتماعی نیست (کاکرین، ۱۳۸۷).

در این میان رسانه‌های و شبکه‌های اجتماعی جدید نقش مؤثری داشتند. حدود ۲۰ سال پیش بود که جورج کارلین، کم‌دین فقید آمریکایی، با شوخی می‌گفت جنگ اول خلیج فارس (حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱) اولین جنگی است که با پخش مستقیم از تمام شبکه‌های تلویزیونی پخش شده است. انقلاب مصر را شاید بتوان اولین انقلاب کلاسیکی دانست که می‌شد آن را به لطف پوشش به‌راستی اعجاب‌انگیز الجزیره با پخش مستقیم از تلویزیون تماشا کرد؛ اما همچون آبِ شوری که آدم را تشنه می‌کند، علاقه‌مند دنبال کردن این انقلاب، هر چه بیشتر لحظه به لحظه انقلاب را تماشا می‌کرد، بیشتر سردرگم آن می‌شد. به دنبال هر سؤالی که می‌رفتیم پاسخمان سؤال‌هایی بیشتر بود. این انقلاب از کجا آمد؟ (عزیزی، ۱۳۹۰).

عمده پژوهش‌های انجام شده به‌صورت نظری انقلاب مصر را تحلیل کرده‌اند. در این تحقیق می‌خواهیم با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) به تحلیل انقلاب مصر بپردازیم. علل بنیادین انقلاب مصر چه بودند؟ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ چه تغییری در متغیرهای اساسی که علت انقلاب شمرده می‌شوند رخ داد؟ این مقاله با اتخاذ رهیافت تطبیقی علاوه بر مطالعه وضعیت مؤلفه‌های اصلی حرکت‌های انقلابی در مصر، درصدد مقایسه آن با کشورهای جهان و ایجاد مدلی کمی تحلیل انقلاب مصر است. یکی از محدودیت‌های بسیاری از مطالعات انقلاب این است که آن‌ها خود را محدود به مطالعات نظری کرده‌اند. مطالعه حاضر نوید پیش‌بینی دقیق وقوع انقلاب را می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱. پیشینه تحقیق

نویسندگان	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
(عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۵)	چه عللی و با چه ترکیب یا ترکیب‌هایی، به وقوع انقلاب در کشورهای عربی منجر شده است؟	انقلاب‌های عربی محصول ترکیب متفاوتی از شروط علی هستند و عوامل علی مشترک میان آن‌ها اندک بوده است. حتی نظریه‌های متأخر انقلاب که به‌واسطه وقوع انقلاب اسلامی به عناصر تبیینی جدیدی مجهز شده بودند، نمی‌توانند تبیینی مجاب‌کننده از واقعه انقلاب در کشورهای عربی ارائه دهند.
(Hart, 2013)	بررسی عوامل اقتصادی و جامعه‌شناختی مرتبط با انقلاب‌های سیاسی به منظور ایجاد یک مدل پیش‌بینی انقلاب‌های سیاسی	این مطالعه چندین یافته مهم در مورد انقلاب سیاسی ایجاد کرده است. در این مقاله با استفاده از شواهد تجربی نشان داده می‌شود که شرایط نامطلوب اقتصادی می‌تواند نشانگر بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور باشد و همچنین نشان داده شده است که این نتیجه برای گنجاندن متغیرهایی که در گذشته برای مطالعه بی‌ثباتی استفاده شده‌اند، قوی است. علاوه بر این، یک مدل پیش‌بینی ایجاد شده است که نه تنها

<p>انقلاب، بلکه جنگ چریکی انقلابی و فروپاشی دولت را با زمان پیش‌بینی دوساله با بیش از ۷۵ درصد دقت در هنگام به حداکثر رساندن پیش‌بینی صحیح رویدادها و عدم وقوع رویدادهای انقلابی، پیش‌بینی می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که این مدل می‌تواند نقطه شروع خوبی برای جستجوی قسمت‌های احتمالی بی‌ثباتی با برجسته کردن مناطق پرخطر باشد که تلاش‌های بعدی می‌تواند از طریق ایجاد طیف وسیعی از سطوح ریسک طبقه‌بندی بر روی آن‌ها تمرکز کند.</p>		
<p>نظریه انقلاب اجتماعی نه تنها توانایی تبیین انقلاب ایران را ندارد بلکه این امر در مورد سایر انقلاب‌های جهان اسلام نیز صدق می‌کند.</p>	<p>آیا نظریه انقلاب اجتماعی قابلیت تبیین انقلاب‌های مصر و تونس را دارد؟</p>	<p>(هراتی. منصور، ۱۳۹۸)</p>
<p>در مرحله نشانه‌های مقدماتی انقلاب که عبارت‌اند از: رشد اقتصاد، تنازعات طبقاتی، تغییر بیعت روشنفکران، ناکارایی ماشین حکومت، بی‌کفایتی طبقه حاکم پیشین تا حدودی تبیین‌کننده وضعیت پیش از انقلاب در دو انقلاب تونس و مصر است</p>	<p>نظریه بریتون تا چه میزان با انقلاب‌های تونس و مصر تطابق دارد؟</p>	<p>(هراتی. محمدی، ۱۳۹۸)</p>
<p>همه عوامل مدل ترکیبی انقلاب‌های اجتماعی جهان سوم جان فوران شامل ۱. توسعه و باسسته ۲. حکومت سرکوبگر، انحصارگرا و متکی به شخص، ۳. شکل‌گیری و تبلور فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و بحران انقلابی، همراه با ۴. رکود اقتصادی، ۵. ارتباط باز با نظام جهانی، در وقوع دو انقلاب ایران و مصر دخیل بوده‌اند.</p>	<p>مقایسه زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر بر اساس مدل نظری جان فوران</p>	<p>(عابدینی نجف‌آبادی، و دیگران، ۱۳۹۶)</p>
<p>این طبقه که مهم‌ترین خواست آن مشارکت سیاسی است، در مقابل ساختار سیاسی بسته مصر که توان پاسخگویی به این خواست را نداشت، تبدیل به یک نیروی انقلابی شده و در نهایت با همکاری توده‌های مردم باعث سقوط حکومت مبارک شدند. علاوه بر این، وضعیت اقتصادی نه‌چندان مطلوب مصر در زمان انقلاب، نرخ بالای بیکاری در بین طبقه متوسط جدید به گونه‌ای که حدود یک میلیون نفر یعنی نیمی از جمعیت بیکار مصر متعلق به گروه سنی ۲۰-۲۴ سال بود، فساد روز افزون طبقه حاکمه، ایجاد وضعیت «برآمدگی جمعیت»، شمار فراوان جمعیت زیر خط فقر، افزایش جهانی قیمت مواد غذایی و وابستگی مصر به واردات مواد غذایی و وضعیت نامناسب توسعه انسانی در این کشور، مجموعاً باعث ایجاد نوعی نارضایتی عمومی در مصر شده که در نهایت منجر به انقلاب ۲۰۱۱ شد.</p>	<p>طبقه متوسط جدید چه نقشی در انقلاب ۲۰۱۱ مصر داشته است؟</p>	<p>(فرجی نصیری، و دیگران، ۱۳۹۴)</p>

دیدگاه این مقاله دیدگاهی انتقادی به محدودیت‌های آزادی و شرایط مالی نامطلوب مصری‌ها است که در گزارش‌های مالی بین‌المللی از اقتصاد دولت و اقدامات ناکافی ضد فساد دولت‌های مبارک ذکر شده است.	این پژوهش به بررسی و تحلیل علل اصلی انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ می‌پردازد	<i>(Rastegari, 2012)</i>
اگرچه تحولات جوامع اسلامی ریشه در نارضایتی مردم این کشورها از وضعیت جامعه خود دارد، اما نقش «رسانه‌های گروهی» را در ایجاد انگیزه و سازمان‌دهی مردم برای حضور در خیابان‌ها و میدان اصلی شهر نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع «محرومیت نسبی» جامعه مصر در دوران حکومت حسنی مبارک به عنوان عامل انگیزشی مردم عمل کرده و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک نقش کاتالیزور را ایفا کرده‌اند.	آیا نظریه «محرومیت نسبی» توانایی تبیین جنبش‌های اجتماعی جدید در خاورمیانه مانند انقلاب مصر را دارد؟ و چه عواملی در کنار این نظریه می‌تواند توانایی توضیح این حرکات را افزایش دهد؟	<i>(Kamali, 2021)</i>
در مقایسه با سایر عوامل و انگیزه‌ها، محرومیت در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از گستره و توانایی بیشتری برای کشف انگیزه‌های انقلابیون و طبقات مختلف مصری در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ برخوردار است. بر این اساس، متغیرهایی نظیر محرومیت اقتصادی در میان طبقات پایین، محرومیت سیاسی در میان طبقات متوسط، نخبگان سیاسی، احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف و محرومیت اجتماعی در میان اقشار مختلف، موجبات نارضایتی عمومی و سپس انقلاب علیه ساختار سیاسی مصر را فراهم کرد.	هدف مقاله پیش رو، تحلیل زمینه‌های داخلی انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ م است. پرسش اصلی پژوهش این است که مردم مصر برای مشارکت گسترده در انقلاب و قیام علیه دولت حسنی مبارک چه انگیزه‌هایی داشته‌اند؟	(محمدیان، ۱۳۹۳)

بر اساس پیشینه پژوهش، شرایط اقتصادی نامطلوب در مصر، منجر به نارضایتی و احساس محرومیت مردم شد. به دلیل وابستگی اقتصادی مصر به محصولات خارجی با افزایش قیمت جهانی مواد غذایی این نارضایتی بیشتر شد. دولت به دلیل ناکارآمدی و فساد مالی قادر به بهبود وضعیت نبود. رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی برای حضور مردم در خیابان‌ها و میدان اصلی نقش تسهیل‌گر را بازی کردند.

۳. تحلیل نظری

دو برداشت عمده از انقلاب وجود دارد: انقلاب کبیر که انقلاب را همراه با تغییرات وسیع ارزشی و نهادی می‌داند؛ و برداشت دوم که انقلاب را تغییر غیرقانونی بزرگ قدرت و خشونت‌آمیز تلقی می‌کند و به تحولات دیگر چندان توجهی ندارد. انقلاب‌ها همراه با تغییر نخبگان، تغییر نهادها، دگرگونی ساختاری، تغییر ارزش‌ها و نیز همراه با خشونت هستند. همه این ویژگی‌ها را می‌توانیم در

انقلاب مصر بینیم. در این تحقیق می‌بینیم که اهمیت ارزش‌های اقتصادی طی دهه پیش افزایش می‌یابد. در ادامه از تقسیم‌بندی نظریه‌های انقلاب توسط گلدستون استفاده می‌کنیم، او نظریه‌های انقلاب را به ۴ نسل دسته‌بندی می‌کند.

۳-۱. نسل اول: نظریه‌های تاریخ طبیعی انقلاب‌ها

این نسل از نظریه‌ها در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مطرح شدند و در پی کشف توالی‌های مشابه در انقلابات بودند. این نظریه‌ها چیزی درباره علل وقوع انقلاب نمی‌گویند. ضعف عمده این نظریه‌ها این است که به وقایع خاص و گسست‌هایی که در انقلابات مختلف ممکن است به وجود آمده باشد و آن رویداد، روی روند بقیه انقلاب تأثیر گذاشته باشد توجهی ندارند. یک نمونه از این توالی‌ها در زیر آورده شده است:

۱. قبل از انقلاب بلوک روشنفکران از حمایت انقلاب دست بر می‌دارند.
۲. درست قبل از سقوط دولت تلاش می‌کند تا با اصلاحات اساسی انتقادات را فرو نشاند.
۳. سقوط واقعی رژیم با یک بحران سیاسی حاد آغاز می‌شود.
۴. بروز منازعات درونی میان انقلابیون.
۵. اصلاح‌طلبان میانه‌رو زمام دولت را به دست می‌گیرند.
۶. سازمان‌های تندرو جدید و بسیج‌کننده توده میانه‌روها را کنار می‌زنند و موجب تغییرات عظیمی در سازمان و ایدئولوژی حاکم می‌شود.
۷. بی‌نظمی ناشی از انقلاب به تحمیل اجباری نظم می‌انجامد.
۸. تعقیب میانه‌روانه پیشرفت و ترقی در چارچوب وضع جدید.

۳-۲. نسل دوم: رویکرد انتظارات فزاینده و رویکرد عدم توازن نهادی

نظریه‌های نسل دوم در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی مطرح بودند. نظریه کارکردی جانسون و نظریه توقعات فزاینده نمونه‌هایی از این دسته نظریه‌های هستند.

۳-۲-۱. رویکرد عدم توازن نهادی

نظریه کارکردی جانسون جامعه را نظامی متعادل فرض می‌کند. عوامل ایجادکننده دگرگونی در نظام اجتماعی در این نظریه عبارت‌اند از: ۱. منابع بیرونی تغییر ارزش‌ها و محیط. ۲. منابع درونی تغییر ارزش‌ها و محیط مثل افزایش جمعیت. اگر نظام بتواند خود را با تغییرات هماهنگ سازد دیگر مشکلی وجود ندارد و نظام بار دیگر به حالت تعادل باز می‌گردد؛ اما اگر نظام نتواند از عهده فشارهای

مختلف برآید و آن فشارها گسترش یابند، می‌توان به وجود حالتی از بدکارکردی چندجانبه قائل شد. واکنش نخبگان در مقابل فشارها یا همراهی می‌کنند یا مقاومت. چنانچه نخبگان در مقابل فشارها مقاومت کنند، در این صورت باید برای حفظ موقعیت خود از زور استفاده کنند؛ اما از زور تا اندازه‌ای می‌توان برای حفظ تعادل نظام اجتماعی استفاده نمود. چنانچه استفاده از زور به اندازه‌ای برسد که دیگر از جانب مردم مشروعیت نداشته باشد، جانسون به این وضعیت فرونهیشت قدرت می‌گوید. استفاده مستمر از زور باعث عدم مشروعیت و در نتیجه از دست دادن اقتدار می‌شود. در این وضعیت برای انقلاب به یک عامل شتابزا نیاز است. ناتوانی نخبگان مصالحه‌ناپذیر از حفظ پشتیبانی ابزارهای اجبار مثل ارتش یکی از عوامل شتابزای رایج است. مدل انقلاب جانسون در زیر آورده شده است (کوهن، ۱۳۸۰).

بدکارکردی چندجانبه + مصالحه ناپذیری نخبگان + عامل X = انقلاب

۲-۲-۳. تئوری محرومیت نسبی

پژوهش نویسندگان طرفدار تئوری محرومیت نسبی نشان می‌دهد کشورهای که شتابزده «نوسازی» می‌شوند مستعدترین کشورها برای خشونت هستند نیست و همین که به «آستانه» خاصی از نوسازی رسیدند احتمالاً خشونت کاهش خواهد یافت (کوهن، ۱۳۸۰). ضعف نظریه‌های خشونت سیاسی این است که هیچ کمکی به درک علل فروپاشی درونی دولت‌ها نمی‌کنند. علاوه بر آن همه جوامع یک فرایند مشابه مدرنیزاسیون ندارند. چرا انقلاب‌ها در بعضی کشورها رخ می‌دهند و در بعضی دیگر نه؟ آن‌ها همچنین چیزی درباره پیامدها نمی‌گویند.

۳-۳. نسل سوم: نظریه‌های ساختاری

نظریه جامعه توده‌ای نمونه‌ای از نظریه‌های ساختاری است. این تئوری نظریه‌ای است که در پی به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان در سال ۱۹۳۳ پدید آمد. مستلزم پذیرش تعریف خاصی از دموکراسی است و بر فلسفه کثرت‌گرایی مبتنی است (کوهن، ۱۳۸۰). باور بنیادین نظریه‌پردازان جامعه توده‌وار این است که اضمحلال گروه‌های میانجی ممکن است به بسط جنبش توتالیتیر که تنها در یک جامعه توده‌وار امکان گسترش دارد منجر شود. ویژگی‌های رفتار توده‌ای عبارت‌اند از: ۱. همه حکومت را از بابت مشکلات خودشان مقصر می‌دانند. ۲. واکنش مستقیم. ۳. به شدت ناپایدار و ۴. وقتی حول یک برنامه سازمان یابد و از حیث تداوم و تلاش‌ها تداوم مشخصی یابد ویژگی یک جنبش توده‌ای را پیدا می‌کند. کورن هاووزر در دفاع از تئوری جامعه توده‌وار معتقد است:

«مردمی که ذره‌ای شده‌اند به سهولت بسیج می‌شوند. چون توتالیتاریسم حالتی از بسیج کامل است لذا جامعه توده‌وار در برابر جنبش‌ها و رژیم‌های توتالیتار شدیداً آسیب‌پذیر است» (کوهن، ۱۳۸۰).

۳-۴. نسل چهارم: نظریه‌های فرایندی

نظریه‌های نسل چهارم استدلال می‌کنند که ما باید توجه دقیقی به آنچه هنگام بروز و گسترش منازعات انقلابی رخ می‌دهد، مبذول داریم. تصمیمات بازیگران کلیدی «کارگذاری»^۱ بر امکان موفقیت و چگونگی تحول انقلاب تأثیر می‌گذارند. رخدادها و اقداماتی که در طی فرایند انقلابی صورت می‌پذیرند بر پیامدهای بعدی تأثیر می‌گذارند (مشروط بودن خط سیر). در نظریه‌های اخیر بیشتر بر گسست‌ها و رویدادهای خاص در هر انقلاب توجه می‌شود تا جستجوی علل عام در همه انقلاب‌ها. از این منظر خط سیر یک انقلاب به وسیله چند عامل به شیوه‌های گوناگون شکل می‌گیرد: ۱. بحران دولت، شکاف میان نخبگان و ناراضایتی مردمی که ریشه‌های انقلاب را تشکیل می‌دهد. ۲. ایدئولوژی‌ها، ائتلاف‌ها و منازعاتی که در طی پدیدار شدن فرایند انقلابی توسعه می‌یابند. ۳. مبارزه میان رهبران، گروه‌ها و قدرت‌های خارجی گوناگون برای تعیین پیامدهای انقلاب (Baycan-Levent@Nijkamp, 2009).

جدول شماره ۲. نمودار سیر انقلاب در نظریه‌های نسل چهارم.

شرایط مردمی.	شرایط نخبگان.	شرایط دولت و شرایط بین‌المللی.	
ناراضایتی‌ها. کاهش دستمزدهای واقعی. بی‌کاری و شبه بی‌کاری. افزایش اجاره‌ها. خشونت دولتی و خودسرانه.	جدایی و شکاف. مشکلات تحرک اجتماعی. محرومیت‌های سیاسی. اخاذی‌های دولت. خشونت دولتی و خودسرانه	ایجاد بحران. بحران کارآمدی. مشکلات مالی و بدهی‌ها.	ریشه‌ها. ↓
بسیج مردمی.	دو‌دستگی و تلاش برای بسیج حامیان. ایدئولوژی مخالف.	تلاش دولت برای اصلاحات یا سرکوب. حمایت یا فشارهای بین‌المللی. فروپاشی دولت یا جنگ داخلی.	فرایند. ↓
ظهور دیکتاتوری یا دموکراسی. ده‌ها تلاش برای بازسازی و تحکیم نهادهای جدید.	مبارزه بر سر قدرت و ظهور ضدانقلاب. نوآوری‌های انقلاب احتمالی در پایه‌های اقتدار و موقعیت.	تعقیب اقلیت‌های قومی، مذهبی، سیاسی. دولت قوی‌تر، متمرکزتر و دولت بوروکراتیک. تلاش دولت برای دستیابی به رشد اقتصادی.	نتایج.

^۱. agency

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش داده‌های دو موج چهارم و پنجم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی (WVS) تحلیل ثانویه شدند. این پیمایش در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ توسط گروه بین‌المللی «بررسی ارزش‌های جهانی» در مصر انجام شد. داده‌ها در سایت این گروه موجود است. گروه بین‌المللی «بررسی ارزش‌های جهانی» از اواسط دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد و ماحصل آن فراهم آمدن پایگاه داده‌های بسیار غنی است که امکان مطالعات مقایسه‌ای ملی و فراملی را فراهم کرده است.

جامعه آماری این تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده در پیمایش چهارم و پنجم است. همچنین در این بررسی نمونه‌گیری انجام نشده و جامعه آماری، کلیه داده‌های جمع‌آوری شده از دو پیمایش موج چهارم و پنجم مصر است. حجم نمونه در هر دو موج چهارم و پنجم ۳۰۰۰ نفر بود. به دلیل اینکه این موسسه سابقه طولانی و جهانی در این پیمایش دارد داده‌ها از اعتبار و پایایی بالایی برخوردارند.

در این بررسی از «نظریه عدم توازن نهادی جانسون»، «نظریه محرومیت نسبی گر» و «نظریه جامعه توده‌وار» جهت تحلیل علل انقلاب مصر استفاده شد. متغیرهای ارزش‌های اقتصادی (مادی)، محرومیت نسبی و جامعه توده‌ای به عنوان متغیرهای تأثیرگذار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در این تحقیق از افزایش اهمیت ارزش‌های مادی به عنوان شاخصی برای «بدکارکردی چندجانبه» استفاده شد. در بررسی پیمایش ارزش‌های جهانی با استفاده از نظریه اینگلههارت دوازده ارزش در قالب سه مجموعه ارزشی چهارتایی به پاسخ‌گویان ارائه شده و از آن‌ها خواسته شد تا اولویت‌های اول و دوم خود را در هر مجموعه مشخص کنند. سؤال به این صورت بود: مردم غالباً درباره اهداف ده ساله آینده کشور اظهار نظر می‌کنند، فهرستی از اهدافی که برای گروه‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردارند، ارائه می‌شوند. لطفاً اولویت اول و دوم را با نوشتن ۱ و ۲ مشخص کنید. در این تحقیق فقط اولویت اول پاسخگویان مورد استفاده قرار گرفت. ۱- ارزش‌های مادی: سطح بالایی از رشد اقتصادی، مطمئن شدن از قدرت و اقتدار ملی، استقرار نظم در جامعه، مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، اقتصاد باثبات (ثبات اقتصادی)، مبارزه علیه جرم و جنایت. ۲- ارزش‌های فرا مادی: افزایش حق مردم در نحوه اداره امور، زیباتر ساختن شهرها و مناطق روستایی، دخالت دادن مردم در تصمیمات دولتی، حمایت از آزادی بیان، پیشرفت به سوی جامعه انسانی، پیشرفت به سوی جامعه‌ای که ایده‌ها بیشتر از پول اهمیت داشته باشند.

تعریف پذیرفته شده محرومیت نسبی را گر به دست داده است: «پیش شرط لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است که به صورت احساس بازیگران مبنی بر وجود اختلاف میان توقعات ارزشی خویش با قابلیت‌های ارزشی ظاهری محیط تعریف می‌شود». توقعات ارزشی، آن دسته از کالاها و شرایط زندگی است که مردم خود را به حق، شایسته آن می‌بینند. قابلیت‌های ارزشی اشاره به اموری دارد که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آن‌ها را سراغ گرفت: آن‌ها

شرایطی هستند که شانس تصویری مردم را در زمینه به دست آوردن یا حفظ ارزش‌هایی که به نحو مشروعی انتظار به دست آوردنشان را دارند معین می‌کنند.

با سه سؤال موجود در پرسشنامه پیمایش جهانی شاخصی برای سنجش میزان محرومیت نسبی ساخته شد. سؤال‌ها و گزینه‌های پاسخ‌شان عبارت بودند از:

۱. آیا می‌توانید کاملاً بگویید که شما؛ بسیار سعادتمند، نسبتاً سعادتمند، چندان سعادتمند نیستید و اصلاً سعادتمند نیستید.

۲. با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟

۳. تا چه حد از وضع مالی خانواده خود راضی هستید؟

گزینه‌های پاسخ، برای سؤالات دوم و سوم طیفی ده نمره‌ای از کاملاً ناراضی تا کاملاً راضی بود. به این صورت که کاملاً ناراضی نمره ۱ و کاملاً راضی نمره ۱۰ می‌گرفت.

در درون جوامع، گروه‌های مختلفی وجود دارد که بر سر کسب ثمرات قابل تحصیل در جامعه با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. انفکاک اجتماعی از طریق وفاداری گروهی به دست می‌آید که در عین حال نخبگان و غیرنخبگان را از هم جدا می‌سازد. جامعه توده‌وار زمانی شکل می‌گیرد که بنا به دلایلی وفاداری گروهی ظاهراً از هم فرو می‌پاشد. در قسمتی از پرسشنامه پیمایش ارزش‌های جهانی، عضویت افراد در سازمان‌های مختلف پرسیده شده است. از آن به عنوان شاخص توده‌ای بودن جامعه در آن کشور استفاده شد. این سؤال به این صورت است: برای شما فهرستی از سازمان‌ها را می‌خوانم. عضو فعال یا غیرفعال کدامیک از این سازمان‌ها هستید یا اصلاً عضو هیچ‌یک نیستید؟ عناوین این سازمان‌ها در جدول شماره ۶ قسمت یافته‌های تحقیق آورده شده است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. سنجش تئوری وقوع عدم توازن نهادی در نظام اجتماعی مصر

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۵۴٫۸ درصد مردم در سال ۲۰۰۰ «سطح بالایی از رشد اقتصادی» را مهم‌ترین اولویت در اهداف کشور انتخاب نموده بودند. حال آنکه در سال ۲۰۰۸، ۷۴٫۷ درصد مردم آن را اولین اولویت خود انتخاب نمودند. در بقیه موارد شاهد کاهش درصدها در سال ۲۰۰۸ هستیم.

جدول شماره ۳. مقایسه اولویت پاسخ‌گویان در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۰

سال.			
2008	2000		
74.7%	54.8%	سطح بالایی از رشد اقتصادی.	هدف کشور: اولین انتخاب.
13.7%	24.6%	مطمئن شدن از قدرت و اقتدار ملی.	
8.7%	10.3%	افزایش حق مردم در نحوه اداره امور.	
2.9%	10.2%	زیباتر ساختن شهرها و مناطق روستایی.	
15.2%	62.7%	استقرار نظم در جامعه.	هدف پاسخگو: اولین انتخاب.
10.9%	7.9%	دخالت دادن مردم در تصمیمات دولتی.	
71.3%	18.3%	مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها.	
2.5%	11.1%	حمایت از آزادی بیان.	
70.3%	46.9%	اقتصاد باثبات (ثبات اقتصادی)،	مهم‌ترین از نظر شما: اولین انتخاب.
9.5%	22.4%	پیشرفت به سوی جامعه انسانی.	
5.1%	7.4%	پیشرفت به سوی جامعه‌ای که ایده‌ها بیشتر از پول اهمیت داشته باشند.	
15.1%	23.2%	مبارزه علیه جرم و جنایت.	
3047	2959	کل	

در سال دو هزار، ۱۸،۳ درصد مردم «مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها» را مهم‌ترین هدف انتخاب نموده بودند در حالیکه این رقم در سال ۲۰۰۸ به ۷۱،۳ درصد افزایش پیدا نموده است. در سال ۲۰۰۰ از میان ارزش‌های ارائه شده در جدول فوق «اقتصاد باثبات (ثبات اقتصادی)» برای ۴۶،۹ درصد مردم با اهمیت‌ترین ارزش بود، حال آنکه در سال ۲۰۰۸، ۷۰،۳ درصد اقتصاد با ثبات را انتخاب نموده بودند.

مشاهده می‌شود که در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ پاسخگویان ارزش‌های اقتصادی را مهم‌ترین هدف کشور انتخاب نموده‌اند. در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ اقتصاد برای مردم بیش از پیش اهمیت پیدا نموده است. این نتایج نشان می‌دهد که اقتصاد کشور مصر در دهه گذشته روبه ضعف رفته است و در نظام اجتماعی عدم توازن ایجاد شده است. مطابق با تئوری جانسون در نظام اجتماعی بدکارکردی چندجانبه به وجود آمده بود.

بدکارکردی چندجانبه + مصالحه ناپذیری نخبگان + عامل X = انقلاب

به نظر می‌رسد نظام اقتصادی مصر نتوانست خود را با تغییرات هماهنگ سازد و فشارهای اقتصادی بر مردم، تعادل نظام را به هم زد.

۵-۲. بررسی تئوری محرومیت نسبی

نتایج تحلیل پاسخ سؤال «آیا می‌توانید کلاً بگویید که شما؛ بسیار سعادتمند، نسبتاً سعادتمند، چندان سعادتمند نیستید و اصلاً سعادتمند نیستید» نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۰، ۱۸,۱ درصد مردم خود را بسیار سعادتمند می‌دانستند در حالیکه در سال ۲۰۰۸ این میزان به ۹,۸ درصد کاهش پیدا می‌کند (آزمون دو دامنه، $p = 0,000$, $df=6046$, $t = -9,6$).

جدول شماره ۴. میزان رضایت از زندگی و وضعیت مالی خانواده در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸

سال.	تعداد.	میانگین.	انحراف معیار.	انحراف معیار از میانگین.	t	sig.
رضایت از زندگی.	۲۰۰۰	2998	5.36	3.353	-۵,۳	***
	۲۰۰۸	3050	5.78	2.684		
رضایت از وضعیت مالی خانواده.	۲۰۰۰	2998	5.26	3.265	۵,۵	***
	۲۰۰۸	3050	4.84	2.588		

گزینه‌های پاسخ‌ها برای دو سؤال «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟ و تا چه حد از وضع مالی خانواده خود راضی هستید؟» طیفی ده نمره‌ای از کاملاً ناراضی تا کاملاً راضی بود. به این صورت که کاملاً ناراضی نمره ۱ و کاملاً راضی نمره ۱۰ می‌گرفت (جدول ۵). طی این سال‌ها رضایت از زندگی به میزان ۰,۴۲ افزایش پیدا کرده بود. میانگین نمره «رضایت از وضعیت مالی خانواده» در سال ۲۰۰۰ برابر ۵,۲۶ و در سال ۲۰۰۸ برابر ۴,۸۴ شده است.

۵-۳. بررسی تئوری جامعه توده‌وار

جهت بررسی فرضیه این تئوری میزان عضویت مردم در سازمان‌های مختلف ۵ کشور با هم مقایسه شد. در پیمایش عضویت با این سؤال پرسیده شده بود: برای شما فهرستی از سازمان‌ها را می‌خوانم. عضو فعال یا غیرفعال کدامیک از این سازمان‌ها هستید یا اصلاً عضو هیچ‌یک نیستید؟

جدول شماره ۵. میزان عضویت در سازمان‌های مختلف.

کشور.					اصلاً عضو	مسجد/کلیسا یا دیگر سازمان‌های مذهبی.
آمریکا.	ژاپن.	اندونزی.	مالزی.	مصر.		
34%	88%	33%	67%	99%	غیر فعال.	
28%	8%	29%	18%	1%	فعال.	
38%	4%	38%	16%	1%	غیر فعال.	

95%	69%	76%	73%	72%	اصلاً عضو	سازمان ورزشی یا تفریحی.
3%	17%	13%	9%	12%	غیرفعال.	
2%	14%	10%	18%	16%	فعال.	
99%	78%	70%	84%	73%	اصلاً عضو	سازمان هنری، موسیقیایی یا آموزشی.
1%	12%	13%	6%	12%	غیرفعال.	
1%	10%	17%	10%	14%	فعال.	
99%	85%	91%	90%	84%	اصلاً عضو	اصناف.
1%	10%	7%	7%	9%	غیرفعال.	
0%	5%	2%	2%	8%	فعال.	
97%	77%	84%	93%	49%	اصلاً عضو	حزب سیاسی.
2%	19%	12%	5%	33%	غیرفعال.	
1%	5%	5%	2%	18%	فعال.	
99%	90%	63%	95%	83%	اصلاً عضو	سازمان‌های حفاظت محیط زیستی.
1%	7%	17%	2%	11%	غیرفعال.	
0%	4%	20%	2%	5%	فعال.	
91%	91%	72%	86%	75%	اصلاً عضو	انجمن‌های تخصصی.
7%	6%	13%	8%	13%	غیرفعال.	
2%	3%	15%	5%	12%	فعال.	
98%	86%	67%	95%	70%	اصلاً عضو	سازمان‌های خیریه.
1%	10%	16%	3%	14%	غیرفعال.	
1%	5%	18%	2%	16%	فعال.	
99%	87%	89%	97%	89%	اصلاً عضو	سازمان‌های نظارت بر خرید و فروش اجناس.
0%	8%	7%	3%	7%	غیرفعال.	
0%	5%	4%	1%	4%	فعال.	
1%	7%	14%	5%	15%	میانگین عضو فعال	

در مصر میزان عضویت مردم در همه سازمان‌ها بسیار پایین است. بطوریکه می‌توان گفت مردم به هیچ سازمانی تعلق ندارند و مصر جامعه‌ای کاملاً توده‌ای است.

۶. نتیجه‌گیری

در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۰ اقتصاد برای مردم اهمیت زیادی پیدا کرده بود. با بحرانی شدن اقتصاد مصر دولت از زور برای حفظ تعادل نظام اجتماعی استفاده شد. بطوریکه ارتش کنترل بیشتر امور را به عهده داشت. عامل شتابزا در انقلاب مصر کنار کشیدن ارتش در هنگام تظاهرات مردمی بود. ارتش نقش مستقل ایفا نمود و به سرکوب مردم اقدام نکرد؛ به این ترتیب زمینه برای برکنار نمودن حاکمیت توسط مردم، به راحتی فراهم شد. البته نباید از نظر دور داشت که دولت آمریکا سالانه یک و نیم میلیارد دلار بودجه ارتش مصر را تأمین می‌نموده است.

در سال ۲۰۰۸ مردم بیشتری معتقدند که فاصله درآمدی مردم باید کمتر شود. احساس محرومیت مردم افزایش پیدا کرده بود. وقتی مردم زندگی و درآمد خود را با اقشار دیگر در جامعه مقایسه کنند و احساس کنند که آن‌ها شایستگی کسب همان چیزهایی را دارند که دیگران دارند، احساس محرومیت نسبی به وجود می‌آید.

در سال ۲۰۰۰، ۱۸٫۱ درصد مردم خود را بسیار سعادتمند می‌دانستند در حالیکه در سال ۲۰۰۸ این میزان به ۹٫۸ درصد کاهش پیدا می‌کند. در ایجاد این وضعیت می‌توان نقش صنعت توریسم در مصر و نیز گسترش رسانه‌هایی مانند ماهواره را مؤثر دانست که شیوه‌های زندگی مردم کشورهای دیگر را به نمایش می‌گذارند و مردم زندگی خود را در مقایسه با دیگران چندان مطلوب نمی‌بینند. کلیه پژوهش‌های که در پیشینه آورده شده اند این یافته‌ها را تأیید می‌کنند.

همان‌طور که در قسمت تحلیل نظری آورده شد، در درون جوامع، گروه‌های مختلفی وجود دارد که بر سر کسب ثمرات قابل تحصیل در جامعه با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. باور بنیادین نظریه‌پردازان جامعه توده‌وار این است که اضمحلال گروه‌های میانجی ممکن است به بسط جنبش توتالیتر که تنها در یک جامعه توده‌وار امکان گسترش دارد منجر شود. در این وضعیت همه حکومت را از بابت مشکلات خودشان مقصر می‌دانند. واکنش مستقیم و به شدت ناپایدار است.

وقتی پس از یک دوره چند ساله اقتصاد دچار رکود می‌شود و از طرف دیگر رسانه‌های امکان درک محرومیت را فراهم می‌آورند و مردم احساس محرومیت نسبی می‌کنند و کوچکی جامعه مدنی قادر به جذب محرومیت نیست؛ اما در کشورهای توسعه‌یافته رکود اقتصادی و محرومیت نسبی منجر به تغییرات ساختاری کلان خشونت‌آمیز نمی‌شود، بلکه تقاضا برای اصلاحات افزایش می‌یابد. مدل فوق برای پیش‌بینی انقلاب در کشورهای توسعه‌نیافته کاربرد دارد.

پیشنهادها

از کشورهای عربی که در آن‌ها انقلاب رخ داده، فقط در مصر پیمایش ارزش‌ها اجرا شده است، به همین دلیل امکان مقایسه‌های بین‌کشوری وجود ندارد. البته به دلیل شباهت‌های زیاد بین این کشورها، می‌توان نتایج مصر را به کشورهای عربی که در آن‌ها انقلاب رخ داده تعمیم داد. برای تبیین تفاوت‌ها در مراحل مختلف انقلاب میان کشورهای عربی، می‌بایست از نظریه‌های فرایندی نسل چهارم استفاده نمود. همچنین این موضوع را بررسی کرد که آیا در کشورهای مسلمان در حال توسعه که در آن‌ها انقلاب رخ نداد، این روندها وجود ندارد؟

با توجه به نظریه‌های نسل چهارم انقلاب، تصمیمات بازیگران کلیدی «کارگذاری» بر امکان موفقیت و چگونگی تحول انقلاب مصر تأثیر می‌گذارند. برای تکمیل تحلیل می‌بایست توجه دقیقی

به آنچه هنگام بروز و گسترش منازعات انقلابی مصر رخ داد، و می‌دهد مبذول داریم. تصمیمات بازیگران کلیدی «کارگذاری» در دوره انقلاب که بر امکان موفقیت و چگونگی تحول انقلاب مصر تأثیر گذاشتند چه بود؟ گسست‌ها و رویدادهای خاص تعیین‌کننده طی فرایند انقلابی مصر چه بودند؟ و چگونه بر پیامدهای بعدی تأثیر گذاشتند؟

با اطلاعاتی که این مدل در اختیار سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران کشورهای سراسر جهان قرار می‌دهد، می‌توانند بهتر از خطر تحولات سیاسی که ممکن است در کشورهای اطراف یا حتی در داخل مرزهای خودشان بروز کند، آگاه شوند.



منابع

تفاوت‌ها و شباهت‌های انقلاب مصر و تونس (۱۳۸۹)، بازیابی ۱۰/۰۲/۹۰، از <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=900535290559>
عابدینی نجف‌آبادی، الهه، کشاورز شکری، عباس و مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶)، «مقایسه زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر براساس مدل نظری جان فوران»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۷، شماره ۹.

عزیزی، آرش (۱۳۹۰)، «بازآفرینی مردم به دست انقلاب»، روزنامه شرق، بازیابی از <http://sharghnewspaper.ir/News/html9999/09/03/90>
عظیمی‌دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۵)، «انقلاب‌های عربی: مطالعه‌ای تطبیقی — تاریخی (دلالت‌هایی نظری درباب نظریه‌های متأثر از انقلاب اسلامی)»، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳۳، شماره ۱۰.
فرجی‌نصیری، شهریار، مسعودنیا، حسین و هرسیح حسین (۱۳۹۴)، «نقش طبقه متوسط جدید در انقلاب ۲۰۱۱ مصر. سیاست جهانی»، دوره ۱۲، شماره ۴.

فورن، جان (۱۳۸۸)، نظریه پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
کاگرین، آلن (۱۳۸۷)، سیاست‌های شهری، ترجمه عارف اقدامی مقدم، تهران: آذرخش.
کوهن، استانفورد (۱۳۸۰)، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس.
محمدیان، علی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر زمینه‌های داخلی انقلاب مصر (۲۰۱۱-۲۰۱۳)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶، شماره ۲۰.

هراتی، محمدجواد و محمدی، رضا (۱۳۹۸)، «آزمون‌پذیری نظریه کرین بریتون در تحولات انقلابی تونس و مصر»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۵۶، شماره ۱۶.
هراتی، محمدجواد و منصوری، توران (۱۳۹۸)، «آزمون‌پذیری نظریه انقلاب اجتماعی با انقلاب‌های مصر و تونس»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۲۸، شماره ۸.

Baycan-Levent T., Nijkamp P. (2009). *Characteristics of migrant entrepreneurship in Europe. Entrepreneurship and regional development, 21(4), 397-75.*

Hart Douglass F. (2013). *Predicting political revolution: The University of North Dakota.*

Kamali A. (2021). *Analysis of New Social Movements in the Middle East (Case Study: Egyptian revolution of 2011). Islamic Political Thought, 7 (1), -55. 101*

Rastegari B. (2012). *THE EGYPT'S REVOLUTION: CAUSES AND DEVELOPMENTS FROM LEGAL PERSPECTIVE, Article presented in Aced Development International Conference.*

Research Article

Contextual analysis of the Egyptian revolution based on value changes

mojtaba hemayatkah¹ and Abolfazl Ramezani²

Date of received: 2023/07/11

Date of Accept: 2023/08/06

Abstract

Most of the research conducted in the field of causes of revolutions has analyzed revolutions theoretically. The purpose of this research is to analyze the Egyptian revolution using World Values Survey (WVS) data. The research method is of the secondary analysis type and the data of the fourth and fifth wave surveys of Egypt were used with a sample size of 3000 people in each survey. To analyze the Egyptian revolution, Johnson's theory of institutional imbalance, Gere's theory of relative deprivation, and mass society theory were used. In order to measure the research hypotheses, the questions that measured the main variables of the theories were identified in the survey questionnaire. The findings show that in 2008, compared to 2000, the respondents chose economic values as the most important goal of the country. Also, the satisfaction with the financial status of the family and the feeling of happiness had decreased significantly. The findings support all the above theories. The occurrence of the economic crisis, the increase in relative deprivation, and the massiveness of Egyptian society provided the basis for the revolution.

Keywords: Revolution, Egyptian revolution, global values, relative deprivation, economic crisis.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Rastegar, Amin (Fall 2023). "Contextual analysis of the Egyptian revolution based on value changes". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 6, Num. 3, S.No. 23, pp. 51 - 70.

¹. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: m.hemayatkah@pnu.ac.ir

². Ph.D in Sociology Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: m.hemayatkah@pnu.ac.ir

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Abedini-Najafabadi, Elaha, Keshavarzshakri, Abbas and Murshidizad, Ali (2016), "Comparison of the contexts of the Iranian Islamic Revolution and the Egyptian Revolution based on Jan Foran's theoretical model", *Historical Sociology*, Volume 17, Number 9. (in Persian)
- Azimi Doulatabadi, Amir (2015), "Arab revolutions: a comparative-historical study (theoretical implications of the theories influenced by the Islamic revolution)", *Iranian Social Studies*, Volume 33, Number 10. (in Persian)
- Azizi, Arash (1390), "Recreation of the People by the Revolution", *Shargh newspaper*, retrieved from <http://sharghnewspaper.ir/News/90/03/09/1169.html>. (in Persian)
- Baycan-Levent T., Nijkamp P. (2009). Characteristics of migrant entrepreneurship in Europe. *Entrepreneurship and regional development*, 21(4), 75-397.
- Cochrane, Alan (1387), *urban policies*, translated by Aref Kakhami Moghadam, Tehran: Azarakhsh.
- Cohen, Stanford (1380), *Theories of Revolution*, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Qoms.
- Differences and similarities between the Egyptian and Tunisian revolutions (2009), retrieved 02/10/90, from <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100835290859>. (in Persian)
- Farjin Nasiri, Shahryar, Massoudnia, Hossein and Harsij Hossein (2014), "The role of the new middle class in the 2011 Egyptian revolution. *World Politics*", Volume 12, Number 4. (in Persian)
- Foran, John (2008), *Theorizing Revolutions*, translated by Ershad Farhang, Tehran: Nei Publishing.
- Hart Douglass F. (2013). *Predicting political revolution: The University of North Dakota*.
- Herati, Mohammad Javad and Mansouri, Turan (2018), "Testing the theory of social revolution with revolutions in Egypt and Tunisia", *Islamic Revolution Research*, Volume 28, Number 8. (in Persian)
- Herati, Mohammad Javad and Mohammadi, Reza (2018), "The testability of Crane Brinton's theory in the revolutionary developments of Tunisia and Egypt", *Islamic Revolution Studies*, Volume 56, Number 16. (in Persian)
- Kamali A. (2021). Analysis of New Social Movements in the Middle East (Case Study: Egyptian revolution of 2011). *Islamic Political Thought*, 7(1), .85-101
- Mohammadian, Ali (2013), "An analysis of the internal contexts of the Egyptian revolution (2011-2013)", *Political and International Research*, Volume 6, Number 20. (in Persian)

Rastegari B. (2012). THE EGYPT'S REVOLUTION: CAUSES AND DEVELOPMENTS FROM LEGAL PERSPECTIVE, Article presented in Aced Development International Conference.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پروفیسر شاہد کاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامیات